

## معاد در قرآن

### شیوهی حرکت انسان در قوس نزول و صعود

بحث ما در قوس نزول و قوس صعود بود.

آیهی شریفه‌ای در قرآن هست که می‌فرماید:

**كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ<sup>۱</sup>**

همین‌گونه به سوی او باز می‌گردید.

انسان یک پیدایشی (بدو) داشته و یک بازگشتی (عود) در پی خواهد داشت؛ به عبارت دیگر، انسان در نهایت زندگی خود، به همان نقطه‌ای که در ابتدای خلقت قرار داشته، باز خواهد گشت.

### برزخ و قیامتِ نزولی و صعودی

اما سوالی که در این جلسه می‌خواهیم به آن پردازیم، این است که چرا عرفا و فلاسفه‌ی ما، سیر حرکت انسان را، به صورت دایره‌ای (دو قوس) در نظر گرفته‌اند که از یک نقطه‌ای شروع شود و دوباره به همان نقطه بازگردیم؟ چرا برای تعبیر تمثیلی که برای بازگشت به آن نقطه‌ی نخستین در نظر گرفته‌اند، از تمثیل خطی استفاده نکنیم؟

پاسخ: همان‌طور که در حرکتِ قوسِ صعودی انسان توضیح دادیم، انسان پس از عالم دنیا، وارد عالم برزخ می‌شود و بعد از عالم برزخ، وارد قیامت می‌گردد (البته دقت دارید که ما همین الآن در برزخ و قیامت هستیم)؛ نکته‌ی دقیقی که در اینجا وجود دارد این است که این برزخ و قیامتِ قوسِ صعود، فقط منحصر در قوسِ صعود نیست، بلکه انسان در قوسِ نزول خود نیز، چنین حرکتی را طی کرده است. البته این برزخِ نزولی و قیامتِ نزولی، متفاوت است با برزخِ صعودی و قیامتِ صعودی؛ زیرا کیفیتِ اتفاقاتی که در برزخِ نزول و قیامتِ نزولی اتفاق می‌افتد، متفاوت است با برزخ و قیامتِ صعودی، چرا که در برزخ و قیامتِ صعودی، انسان حقیقتِ اعمال خودش را مشاهده می‌کند در حالی که در برزخ و قیامتِ نزولی، انسان هنوز اعمالی مرتکب نشده است که مشاهده نماید.

دلیل دیگر اینکه برزخ و قیامتِ نزولی، متفاوت از برزخ و قیامتِ صعودی است، نکاتی است که در روایات و آیات آمده‌اند. در روایاتی از ائمه‌ی معصومین آمده است که: «چهار ملک، حاملانِ عرشِ الهی هستند». در حالی که در سوره‌ی مبارکه‌ی حاقه، چنین آمده است:

**وَ الْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ**

و فرشتگان در اطراف آن مستقرند و عرش پروردگارت را در آن روز هشت تن بر فراز آنان حمل می‌کنند.

<sup>۱</sup> آیهی ۲۹ سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف

از مجموع این روایات و آیه‌ی قرآن، این چنین برداشت می‌شود که آن چهار ملک در روایت ذکر شده، مربوط به یکی از قوس‌ها بوده ولی آیه‌ی شریفه‌ی قرآن، به همه‌ی ملائکی که در قوس صعود و قوس نزول، عرش الهی را حمل می‌کنند، اشاره می‌کند. لذا با این بیان، برزخ و قیامتِ نزولی، متفاوت از برزخ و قیامتِ صعود است.

برای درکِ برزخ و قیامتِ نزولی، ابتدا باید برزخ و قیامتِ صعودی را فهم کنیم. همان‌طور که گفتیم، در قوس صعود، برزخ و قیامتِ صعودی به معنای برداشتنِ پرده‌ها از حقیقتِ اعمالی است که در این دنیا، انجام داده‌ایم. اسمِ دیگرِ عالمِ برزخ، عالمِ مثال است و اسمِ دیگرِ عالمِ قیامت، عالمِ عقل می‌باشد. وجه تسمیه‌ی عالمِ مثال، این است که وقتی انسان وارد عالمِ برزخ می‌شود، از کالبدِ دنیایی، وارد کالبدِ دیگری می‌شود که مختصِ آن برزخ است و بنابراین، باز هم در حجاب هستیم؛ به عبارتِ دیگر، تا زمانی که انسان، گرفتار کالبد و مثال باشد، هنوز کلِ حقیقت را نمی‌تواند درک کند. لذا عالمِ برزخ را، عالمِ مثال گذاشته‌اند تا بدانیم که هنوز واردِ عالمِ عریانِ قیامت نشده‌ایم و هنوز حجاب‌هایی برای انسان وجود دارد.

اما عالمِ قیامت، عالمِ «عقل» است؛ زیرا در این عالم، دیگر هیچ مانع و حجابی وجود ندارد؛ به عبارتِ دیگر، تا زمانی که انسان، بر اساس عقلِ خودش، بدون هیچ مانعی، عمل می‌نماید، دچار خطا و اشتباه نمی‌شود. اما اگر بر روی همین عقل، پوشش‌هایی بیاید، انسان هم دچار اشتباه‌ها و خطاهایی می‌شود. با این بیان، عالمِ قیامت را هم عالمِ عقل نام نهاده‌اند چرا که در این عالم، هیچ پوشش و مانعی وجود ندارد. علتِ دیگر این نام‌گذاری، این است که جایگاهِ ملائک که عقل محض هستند و هیچ شهوت و غضب و ... ندارند، در این عالمِ قرار دارد.

در قوس نزول هم که برزخ و قیامت خواهیم داشت، برزخ و قیامت را به ترتیب، عالمِ مثال و عالمِ عقل می‌نامند

اما بحثِ در اثباتِ برزخ و قیامتِ نزول بود: وقتی که سیرِ خلقتِ انسان را مرور می‌کنیم، به وجودِ قیامتِ نزولی و برزخیِ نزولی، پی می‌بریم. در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، در جایی که خداوند می‌خواست انسان را خلق کند، در جایگاهی قرار داشت که تجلیِ اتمِ ملائک بود و این جایگاه، همان عالمِ عقل است. به این ترتیب، وجودِ قیامتِ نزولی، اثبات شد. به عبارتِ دیگر، آن جایی که انسان خلق شده است، محلِ جلوه‌ی ملائکه بوده که این محل، همان عالمِ عقل است که اشاره شد اسمِ دیگرِ این عالم، همان قیامتِ نزولی است. اما این عالمِ قیامت، متفاوت است با قیامتِ صعودی که در آیات قرآن هم بیان شده است. زیرا در آیات قرآن، اشاره‌ی خداوند متعال، به اعمالِ انسان است که در آن عالم، حاضر می‌بیند (دنیا مزرعه‌ی آخرت است) و در حقیقت، کلِ قوسِ صعود، در واقع همان اعمال و حالاتِ انسان می‌باشد. پس، این عالمِ عقلی که حضرت آدم و سایر انسان‌ها در آن خلق شده‌اند، جدا و متفاوت از عالمِ قیامتِ صعودی است.

به همین ترتیب، عالمِ برزخِ نزولی، در جایی است که حضرت آدم و همسر ایشان، در آن متنعم بودند و به سببِ عصیانی که انجام داد، از آن خارج شد و وارد عالمِ دنیا شد. در واقع، این عالمی که حضرت آدم و حوا در آن حضور داشتند، اولاً پایین‌تر از عالمِ عقلی بوده که ملائک در آن حضور داشتند و ثانیاً، بالاتر از عالمی

بودی که بعدا به خاطر خطایشان وارد آن شدند. پس این عالم، یک عالمی بوده که بین این دنیای خاکی و آن عالم عقلی که ملائک در آن حضور داشتند، وجود داشته که ما اسم این را عالم برزخ نزولی یا مثال نزولی می‌نامیم که البته می‌دانیم متفاوت از برزخ صعودی مبتنی بر اعمال دنیا است.

نکته: همه‌ی این دنیا، اعم از برزخ و قیامت نزولی و صعودی، همگی در نگاه حقیقی عالم، فقط یک «آن» و یک لحظه است.

بنابراین، با توجه به نکاتی که گفته شد، آن عوالمی که قبل از این دنیا بوده است، غیر از عوالمی می‌باشد که در آینده و برزخ و قیامت صعودی خواهیم دید؛ زیرا کیفیات و ویژگی‌های برزخ و قیامت نزول، متفاوت از ویژگی‌ها و کیفیات برزخ و قیامت صعودی است. لذا وقتی تفاوت بین این دو روشن شد، دیگر نمی‌توانیم حرکت انسان را به صورت خطی ببینیم؛ بلکه باید نگاه دایره‌ای داشته باشیم.